

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۱/۰۱/۱۹

با درود فراوان و عرض سپاس خدمت گردانندگان پورتال به ارتباط نشر ایده های دیگر اندیشان میخوام چند مسأله را شما دوستان و عزیزانی که وقت میگذارند و این نوشته ها را چه از روی انصاف و عدالت بینی و چه از روی عداوت و بد بینی میخوانند و نظرات شانرا هر چه باشد اظهار میدارند عرض بدارم اینکه :  
از هیچ نوع تبارز افکار و نوشته ای به ضد نوشته هایم ناراحت نمیشوم چرا که منظور من روشنگری حقایق است تا در لابلای این نوشته ها پیرامون بیگانه پرستی و صحبت های کنونی اذهان خمود و جمود و غرق در تخیلات عرب زده ها باز شده و نه تنها این نوشته بلکه نوشته های دیگر روشنگران ما راه کشای به سوی حقیقت های نهفته باشد . ببخشید این چند سطر را ضروری می پنداشتم

## حقوق انسان و مشروعیت بردگی

### در اسلام

طوریکه به همه معلوم است بهره کشی انسان از انسان از زمانه های قدیم با موجودیت طبقات اجتماعی و در اختیار داشتن وسایل تولید تا امروز به شکل متداوم ادامه داشته و بنا بر شرایط مختلف اجتماعی بهره گیری از انسانهای محروم گاهی شدت و گاهی هم سیر روند اجتماعی آن بطی بوده است و در هر مقطع مشخص تاریخی شکل استفاده از نیرو های انسانی گروه های تحت ستم با هم فرق داشته است .  
همچنان آزادی های اجتماعی هم تحت تسلط نظام های حاکم تقسیم بندی گردیده و مشخص ساخته شده است که کدام گروه های اجتماعی چه نوع حق آزادی دارند و حدود آن مشخص گردیده است . وقتی از آزادی صحبت میشود هر نوع آزادی مطرح است. مثل آزادی عقیده، زندگی، کار، آزادی بیان و غیره  
با در نظر داشت این مسأله که انسان آزاد خلق شده و در محیط زیست در جامعه انسانی حق استفاده از این آزادی ها را دارد و تا آنجا که آزادی اش در تضاد با آزادی انسانهای دیگر نباشد، مجاز است و معمولاً حدود این آزادی ها در جوامع مختلف بار در نظر داشت گروه مسلطه بر نظم و قانون آن جامعه مرز بندی شده و در چوکات قوانین بر مردم و جامعه تطبیق میشود. اما انسانهایی که آزاد به دنیا می آیند تعدادی از آنها بعد از مدتی از هر نوع حق آزادی

محروم میگردند چون از جمله تولد شده ها در خانواده های فقیر و زحمت کش استند و نظر به قانونمندی اجتماعی آنها باید محروم از حق آزادی باشند. به ارتباط این موضوع اگر از دید گاه ادیان نظر افکنیم می بینیم که رزق انسانها قبلاً تعیین شده و سر نوشت شان معین و تنها خدا است که میتواند درین امر تغییرات وارد کند و او نمی کند چون نقض خلقت و پیشبینی هایش را آشکار میسازد و حکم میدارد همین است و میباید شد و خواهد بود.

راه دیگر این بر رسی ها نظر اندازی به تشکل و نیرو مندی انسانهای محروم است که در طول تاریخ و مقطع های جداگانه در تغییر سر نوشت انسانی خود رول داشته خلاف اوامر خداوندی در تغییر جامعه موجودیت شانرا منحیث نیرو های خلاقه تثبیت نموده اند.

با ید دید که آزادی ها برای گروهی و عدم آزادی برای افرادی از کجا سر چشمه میگیرد؟ و چه چیز هائی در تداوم این نگهداشت موثر اند؟ و چه زنجیر هائی حقوق و آزادی های زحمت کشان را محکم در بند گرفته است؟ مسوول این عمل کرد ها کیست؟ اگر خدا است باید دانست چرا سر نوشتی چنین غیر عادلانه تعیین شده و از روز ازل تقدیر چنین رفته است؟ و اگر انبای بشر از جنس محمد و آدم اند باید با افشاء گری کامل ار آنها از حق مسلم آزادی دفاع و برای آزادی به مفهوم واقعی آن مبارزه نمود.

اینکه گفتیم بشر آزاد به دنیا می آید بدون هیچ نوع پیش شرط زیستن و توافق قبلی با هر کی باشد یعنی ما انسانها . ما آدم ها که به شکل و شمایل امروزی زندگی داریم هیچ نوع قرار داد و تعهدی به هیچ کسی نسپردیم که ما در پیدایش خود و سر نوشتی که برای ما تعیین میشود و مقرراتی که باید از آن پیروی نمائیم و شکل زندگی که اجبارا به پذیرش آن باید سر خم نمود راضی خواهیم بود و چنین موافقه از طرف هیچ فردی قبل از پیدایش آن به این کره خاکی وجود ندارد. پس ما اجبارا خلق شده ایم و باید تابع قوانین اجتماعی آن محیط پیدایش باشیم .... اگر مر بوط به اشراف و اغنیا باشیم موجودیت و مفکوره اجتماعی ما هم چنان خواهد بود و شرایط زندگی اغنیا و اشراف به ما می فهماند که حقوق ما در اجتماع چیست . و هم چنین عکس آن.

در گذشته های دور زمانیکه مالکیت خصوصی به وجود آمد و بعد آنکه خدایان متنوع بشری جایش را به یک خدائی داد در ین جریان از طرف زور مندان و گروه های مسلط به سر نوشت جامعه به باشندگان مناطق مختلف روی زمین چنین آموزش و تلقین میگردید که خداوند دو نوع بشر خلق کرده یکی اغنیا و اشراف و یکی هم رعایا و مردم عادی مثل پیشه وران و کسبه کاران. برای تحقق این اندیشه (فیلسوفان یونان قدیم) و آگاهان اجتماعی مفت خور دست به کار بوده اند و اما مصیبت این بوده که تأیید این مسأله با استفاده از خرافات پسندی مردم توسط ادیان آسمانی کشنده تر و خراب کننده تر در ذهنیت عامه مردم تزریق شده بود . یعنی به این پدیده اجتماعی ظالمانه شکل دینی و مذهبی و بر گشت نا پذیر داده شد و به این ترتیب دست و پای بشریت مخصوصا انسانهای مؤلد و تحت ستم به زنجیر های آهنین دینی بسته شد. ادیانی که ادعا دارند و داشتند که آسمانی اند در ارتباط به آقا بودن و برده بودن انسان ها فیصله های قاطع به نفع سر مآیت داران و ضرر مردم تحت ستم دارند و برای روشن شدن تأیید بردگی از جانب خدا و تقویت و استحکام آن در جامعه های انسانی توسط فرستادگان خدا، بهتر است اوراق هدایات دینی را ورق زد و فهمید چرا پیشوایان ادیان، این کتابهای آسمانی که ادعا دارند از طرف شخص خدا نازل شده اند چرا احکام آن به نفع مالکین و ثروتمندان و بردگی مردم زیر ستم بوده است که مشخصا از منافع زور مندان دفاع و تهیدستان را توسط شعبده بازان دینی به امید روز آخرت و بهشت برین که در آن جو های شیر و عسل و آبهای شفاف روان است و عده داده و به صبر دعوت میدارند؟

بررسی ادیانی که ادعا دارند آسمانی بوده و مقدس اند ۴ کتاب آسمانی که از زیور آن که برای داود آمده اثری نیست

و کسی از آن یاد آوری هم نمیکند، تورات، انجیل و قرآن است. مطالعه و بررسی این سه کتاب اخیر در رابطه به احکام بردگی و تقسیم اجتماعی مردم ما را در روشن شدن افکار یاری خواهد نمود. گرچه قانون بردگی در قرن هفدهم محکوم شناخته شد اما کشور هائی که پیرو هدایات کتابهای آسمانی هستند آنرا نه تنها لغو نکرده اند بلکه تا همین امروز هم به شکلی از اشکال تاثیر پذیری این احکام مقدس را در روند زندگی اجتماعی در ممالکی که ادعا دارند اسلامی اند، شاهد هستیم. از زمان اولین قیام بردگان (سپارتاکوس) تا امروز در ممالک مختلف قیام های انسانی به ضد این اصول جهالت و وحشت صورت گرفته که از طرف مالکان و اشراف جامعه به کمک صد در صد وابستگان دینی سر کوب و خاموش گردیده است. برویم ببینیم خداوند زور مندان در کتاب های آسمانی خود چه هدایاتی به ما به این ارتباط میدهد.

در تورات که به صورت فرمان های ده گانه مستقیم از خداوند (یهوه) به موسی حکم شده: سفر خروج باب بیست و یکم آیت ۲-۶ (اگر - غلم - برده) عبری بخری پس از شش سال که بتو خدمت کند و سال هفتم بی قیمت فرو رود و اگر مالکش در بین مدت زنی به او داده باشد و صاحب دختران و پسران باشد آنگاه اولاد هایش مال اقرارش باشد و آنمرد تنها بیرون رود و اگر پدر بگوید بدون اولاد های خود نمی روم آنگاه مالکش او را در معبد بیاورد. دو گوش او را سوراخ کند و او را برای همیشه بنده خود سازد)

در باب سی و سوم آیت بیست و پنج میخوانیم که (علوفه و چوب و بار برای الاغت، نان و زدن برای بنده ات زیرا که اگر او سرش را بالا کند به فرمان تو نخواهد ماند و این یوغ و طنابی است که گردن او را خم میکند. نصیب غلام باید شکنجه باشد. اگر بنده ات فرمان تو را اطاعت نکند بیدرنگ او را به غل و زنجیر ببنداز). این بود شمه ای از عدالت آسمانی خدای موسی. در کتاب دیگر آسمانی که عبارت از انجیل است در رساله پائولوس رسول به افسسیان باب ششم آیت ۵ میگوید (ای غلامان طوری با اشتیاق مطیع اربابان زمینی خود باشید که از اربابان آسمانی خود مسیح اطاعت میکنید). در رساله پائولوس رسول به تیطس باب دوم آیت ۹ میفرماید (به غلامان بگو که در هر امر مطیع اربابان خود باشند و در اوامر با آنها جرو بحث نکنند و آنها را همواره از خود راضی نگهدارند) تو ماس اکونیس قدیس سر شناس مسیحی چنین فتوا میدهد (بر دگی که نتیجه گناهی است که آدم مرتکب شد از نظر اجتماعی نظام مفید و عادلانه است. زیرا امری طبیعی است که گروهی کار کنند تا گروه دیگر آزاد باشند و بتوانند از قانون خدا و از خود آنان دفاع کنند)

این بود چند برگی از انجیل به ارتباط بردگی که شکل قانون عدالت الهی را روشن بیان میدارد. در اسلام هم بر اصل بردگی و برده داری تأکید قاطع صورت گرفته است و در سوره های مکی که محمد قدرتی نداشت و موعظه گر بود برده داران را به رفتار عادلانه در مقابل برده هدایت میکرد نه در الغای بردگی. اما در مدینه احکام قرآن مثلیکه احکام راجع به سر زدن کفار فرق کرده بود هدایات راجع به بردگی نیز فرق نمود و دیگر شکل عادلانه (ملایمت با بردگان) را ندارد مثلاً سوره ۴۳ زخرف آیت ۳۲ میگوید (خود ما چنین خواسته ایم که کسانی را به چندین درجه برتر از دیگران قرار دهیم تا اینان را به بردگی خویش در آورند) تر جمه ابوالقاسم پاینده. همان آیت تر جمه مهدی الهی قمشه ای (آیا آنها باید فیض و فضل خدای ترا تقسیم کنند. هر گز نباید. در صورتی که ما خود روزی آنها را در حیات دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی را بر بعضی برتری داده ایم تا بعضی از مردم به (ثروت) بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند و رحمت خدا از آنچه جمع میکنند بهتر است... در آیت ۷۱ سوره نحل میگوید: خدا رزق بعضی از بندگان خود را بر بعضی دیگر فزونی داده است اما آنکس که رزقش افزون شده است زیاده را به غلامان خود تقسیم نمیکنند که هم در روزی داشتن یکسانند پس چرا نعمت خدا را انکار مینمایند.... در

آیت ۷۵ سوره نحل میگوید: برده مملوکی که قادر به هیچ چیز نیست و هیچ اختیاری از خود ندارد و مرد آزاد که ما به او رزق فراوان اعطاء کرده ایم و پنهان و آشکارا هر چه بخواهد از مال خود انفاق میکنند باهم یکسانند؟ و در آیت ۷۶ همان سوره میفرماید: دو نفر مرد یکی بنده ای ناتوان و گنگ که سر بار مولای خویش است و از هیچ راه، خیری به مالک خود نمیرساند و دیگر مردی آزاد که به عدالت امر میکند و در صراط مستقیم است آیا این دو نفر دارای حقوق مساوی اند؟ در آیت ۲۸ سوره روم: این مثالی است از آنچه خود معمول میدارید آیا بردگان شما از آنچه ما به روزی داده ایم سهم مساوی دارند و شما با آنها برابرید؟ آیا شما از آنها میترسید همچنان که از یکدیگر میترسید؟.. در آیات ۱۸-۷۴- و ۱۲۹ آل عمران میفرماید: هر کس را بخواهد دلیل میکند و هر کی را بخواهد عزت می بخشد. سوره نساء آیت ۹۲ انسان برده را مثل یک جنس و شی در تبادل خونیها رقم میزند: هر کس مومنی را به خطا بکشد باید یک برده مؤمن را آزاد کند.... همچنان غرض تحقیر و شخصیت کشی مخالفان در سوره توبه آیت ۲۹ میگوید: جهاد کنید تا به دست خود جزیه بدهند و حقیر شوند. در اضافه تر از ۴۵ آیت قرآن راجع به خوب و بد، تعیین سر نوشت شاه و، برده و غلام و آزاد بودن صحبت شده که همه نشان دهنده عدالت الهی در چنین موارد است. اما در مورد کنیزان قرآن هدایاتی دیگری دارد مثلا: در آیت ۵۰ سوره احزاب میفرماید: ای پیغمبر زنانی را که مهر شانرا ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که خدا به غنیمت نصیب تو کرد..... آیات ۵ و ۶ سوره مؤمنون: و آنانکه عورت های شانرا از عمل حرام نگاه میدارند مگر بر جفت های شان یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچ گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست.) در آیت ۵۲ سوره احزاب میخوانیم: ای پیغمبر بعد از این "زنان" دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان به دیگر زن هر چند از حسن او به شگفت آئی.... مگر که کنیزی مالک شوی و خدا بر هر چیز مراقب است. - قمشه ای این بود مختصری در باره کنیزان که به محمد و پیروانش حق آسمانی داده شده است. البته در صحبت های جداگانه در ارتباط خانم های بهترین عالم و کنیز های شان خواهیم پرداخت. .

حال با در نظر داشت احکام الهی بد نخواهد بود نظر مختصر به به پیشوا بیان اسلام در رابطه به ثروت های سر شار و بندگی و غلامی نظری بیندازیم:

در عربستان قبل از اسلام هم بردگی وجود داشت و حضرت رسول خودش چندی ازین موالی (غلامان که در زمان هائی آزادی خود را بنا بر عوامل مختلف به دست آورده بودند اما باز به خدمت ارباب قرار داشتند) مثل زید بن حارث، اسمه بن زید شقرانو تنی چند داشتند. واقدی در طبقات ص ۱۳۱ روایت میکند (ابو رافع شوهر سلما قابله ماریه خبر آورد که ماریه پسر زائیده است. ابو رافع برای پیامبر مژده تولد ابراهیم را آورد و آن حضرت بنده ای به عنوان مزدگانی به او بخشید. )

خواننده عزیز: در نظر داشتیم تا معیار این نوشته ها به سطح آیات قرآنی در روشنی تاریخ باشد اما در بعضی موارد مجبورا به روایات پائین تر هم اتکاء نمایم و به استناد احادیث و فتوای علمای فقهی روی بعضی موضوعات تبصره نمایم. . در فقه اسلامی پنج نوع بر دگان رسمیت دارد:

۱- بردگانی که در جنگ اسیر میشوند. ۲- بردگانی که از طریق خرید و فروش به دست می آیند. ۳- بردگانی که وابسته به زمین بوده و با زمین خرید و فروش میشوند. ۴- غلامان و بردگانی که از همجواری با کنیزان تولد میشوند. ۵- موالی ها - غلامانی بودند که زمانی آزاد شده اما نزد ارباب کار میکردند.

حال میخواهم مختصری راجع به غنایم از تاراج ملت های دیگر و برده ها و کنیزان پیشوایان اسلام و خلفای اسلامی صحبت دارم. .

طلحه بن عبدالله یکی از یاران محمد که خود را در جنگ احد سپر محمد ساخته بود و چند زخم بر داشت ثروت او به ارزش سی میلیون در هم بود که روزانه هزار دینار از آن سود میگرفت.

عبدالرحمن بن عوف هشتمین کسی بود که مسلمان شد و در ۷۵ سالگی وفات نمود در پایان عمر ۳۰ هزار برده خود را آزاد کرد و باقیمانده جایداد او ۱۰ هزار شتر و اسب و گوسفند و بیش از سی کرور وجه نقد که به هریک از ۴ زن او مبلغ ۸۰۰۰۰ دینار میراث رسید (طبقات بن سعد جلد سوم ص ۸۷-۹۷) خلیفه سوم عثمان بن عفان داماد محمد شوهر دو دختر محمد (رقیه و ام کلثوم) آنچه از او باقی ماند ده میلیون دینار طلا و املاک و اراضی و چندین هزار اسب و شتر بود و یک میلیون در هم نزد خزانه دار مخصوص خود داشت. به گفته جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلام: هزار بنده در رکاب داشت. در سال ۲۷ هجری مسلمانان به سرکردگی عبدالله بن ابی السرح برادر رضاعی عثمان تونس و الجزایر را فتح و دو نیم میلیون و به قول داکتر ط حسین چهار میلیون دینار غنیمت آوردند عثمان خمس آن غنیمت را با دختر خود به مروان داد. سعد بن وقاص یکی دیگر از اعضای عشره مبشره میباشد که بعد از فتح فارس لقب (شهبسوار اسلام) را گرفت. قرار روایت ابو حنیفه احمد بن داوود در اخبار الطوال: سعد بن وقاص از اموال غارتی در تیسفون صد هزار دینار طلا و یک میلیون نقره برای خود برداشت و در کوفه قصری مجلی برای خود ساخت.. یکی دیگر از صحابه کرام عبدالشمس که بعد از اسلام آوردن عبدالله نامیده شد در هنگام مرگ بیش از ۱۰ هزار برده داشت. (عیون الاخبار جلد اول ص ۵۳) دست آورد های این چپاول از فارس به خلیفه دوم امیرالمومنین ارسال و جناب شان هم بخشی از آن را به علی صاحب ذوالفقار دادند و امیر هم همه را به ۲۰ هزار دینار فروخت. عباس کاکای محمد ۱۲ هزار درهم و به هر صحابه ۱۰ هزار درهم، امامزادگان هریک حسن و حسین بن علی و اصحاب کرام ابوذر غفاری و سلمان فارسی هر کدام شان ۵ هزار درهم مستحق شدند (تاریخ طبری جلد پنجم ص ۱۹۳۳)

لشکر اسلام تعداد زیادی از مردم خراسان را اسیر بردند که چند رهبر محلی که اندک پولدار بودند قبول اطاعت سر داران عرب را نمودند و در مقابل این امتیاز باید سالانه باج و خراج میدادند. یک حاکم سیستان در سال ۳۰ هجری سالانه یک میلیون در هم به خلیفه باج میداد و هر سال یک هزار برده جوان میفرستاد و حاکم کرمان مجبور بود سالانه دو میلیون در هم و ۲ هزار برده به خلیفه ارسال بدارد (تاریخ ایران ص ۱۵۵) امیر خوارزم باید به قتیبه بن مسلم سالانه طلا، نقره، پارچه های کالا و ده هزار برده جوان میداد. امیر سغد مجبور بود ۱ میلیون در هم پول نقد ۲ هزار قطعه پارچه ابریشمی و ۳۰ هزار برده جوان و صحت مند به خلیفه بدهد.

طبری روایت میکند وقتیکه اسیران را آوردند قتیبه بن مسلم دستور داد تختش را بیرون برند و در بین اسیران بگذارند و بعد دستور داد که ۱ هزار آدم را پیش رویش هزار کس را پشت سرش هزار نفر سمت راست و هزار نفر سمت چپ گردن بزنند (تاریخ طبری جلد ۹ ص ۳۸۵۴) بلی به این میگویند دین عدالت. دین برادری و برابری؟ جناب شان همان بزرگوار اسلام استند که امروز تعدادی از هموطنان خوش باور و خوش قلب ما غرض رفع مصیبت های زندگی شان به مرده او و قبرش مراجعه میدارند.

طبری به ادامه مینویسد که قتیبه بن مسلم از خوارزم ۱۰۰ هزار اسیر آورد که همه در بازار برده فروشان فرستاده شد که بازار برده فروشان گرم و غازی های وحشی و خونخوار صاحب آرگاه و بار گاه شدند. یکی دیگر از سرداران اسلام (موسی بن نصیر در سال ۹۱ هجری از افریقا ۳۰۰ هزار برده با خود آورد که تعداد ۶۰ هزار آن را به عنوان خمس برای خلیفه ولید بن عبدالملک به دمشق فرستاد. موسی بن نصیر وقتیکه از اندلس به شام آمد ۳۰ هزار دختر جوان اسیر به عنوان کنیز با خود آورد که بین سران و اشراف عرب دسته دسته تقسیم شدند و به

یکدیگر تحفه ارسال می‌داشتند ( تاریخ تمدن اسلام – جرجی زیدان ص ۸۸۴ )

تعداد اسیران آنقدر زیاد بود که یزید بن مهلب به خلیفه هشام بن عبدالملک نوشت : از مازندران آنقدر اسیر گرفته ام که اگر آنها ردیف کنم یک سر آن در شام و سر دیگرش در طبرستان خواهد بود همچنان در کتاب جمهوری کاسبکار بررسی هائی در زمان امویان از محقق مذهبی بلژیکی ( بر لامتس ) صفحه ۹۵ الی ۱۱۲ میخوانیم : معاویه ابن ابی سفیان از باغ ها و مزارع خویش فقط در حجاز از ۴۰۰۰ برده سالانه ۱۵۰ هزار بار شتر خر ما ۱۰۰ هزار کیسه غله به دست می آورد . یزید بن مهلب در خوارزم اسیران را برهنه ساخت و همه از سر مای زمستان مردند ( فتوح البلدان ) از بلاذری ص ۵۸۱

این سردار خون آشام اسلام یزید بن مهلب در حمله به گرگان سوگند خورد که چندان بکشد که با خون آنان آسیا بگرداند و از آرد آن نان بخورد و بعد از فتح چنان خون ریختند آسیا نمی‌گردید چون خون ها لخته میشد پس آب گرم به خون ریختند تا روان شد و گندم را آسیا کرد و نان پخته کردند و بخورد و دست از سر بریدن مردم کشید ( تاریخ طبری جلد ۲ صفحه ۱۱۰۷ )

در زمان سلیمان بن عبدالملک خلیفه اموی مردم گرگان برای سومین بار دست به قیام زدند . این سردار عرب با ۱۲۰ هزار سپاه به سر کوب آنها رفت و ۴۰ هزار تن مردم شهر را در یک روز به قتل رسانید . چند سال بعد سردار دیگر عرب قحطبه بن شیبیب عامل خلافت اسلامی ۳۰ هزار تن دیگر از مردم گرگان را به جرم عصیان در مقابل عرب قتل عام کرد . دوران قتیبه بن مسلم سردار حجاج بن یوسف که هر دو شمشیر کش و جنایت پیشه بودند خونبار ترین مقطع تاریخ در تاریخ خراسان و سیستان است .

قتلیه بعد از فتح، فاریاب را بسوخت و از طرف عرب بنام ( محترقه ) خوانده شد. عبدالله مهدی الخطیب در تاریخ خودش ( حکومت بنی امیه در خراسان ) مینویسد:

در طبرستان اسیران را تا دو فرسخ در دو سوی جاده ها به دار آویخت و پسر قتیبه سردار عرب در سال ۹۰ هجری چندین هزار از مردم طالقان را که بر اعراب شوریده بودند به دار آویخت چنانچه تیر ها به دو ردیف یکدیگر تا ۴ فرسخ بر قرار بودند ( افغانستان در مسیر تاریخ – تألیف میر غلام محمد غبار – جلد اول صفحات ۵۹ تا ۷۴ ) .

در زمان فاطمیان در مصر رسم به آن شده بود که اسیران جنگ باید از شهر قاهره می‌گشتند و بعد در محلی جمع آوری میشدند. مریض ها و پیر مرد ها را سر می‌بریدند و اجساد آنها را در چاه ها می‌انداختند که آنها به عربی ( بیترالنامه ) میگویند و مردان را در همان جا نگاه می‌داشتند تا به فروش روند. اما زنان، دختران و کودکان بین خلیفه، وزیران و اشراف تقسیم میشدند ( تاریخ تمدن اسلام – جرجی زیدان – ثر جمه و نگارش علی جواهر کلام صفحه ۸۸۵ ) .

ابن هشام مینویسد : در حمله به گرگان لشکر اسلام ۸۰ هزار شمشیر زن بود و مردم چنان دلیرانه جنگیدند که سعید بن عاص سردار عرب وحشت زده شد و نماز خوف خواند و سر انجام برای اینکه مردم گرگان را به تسلیم وادارد به آنها امان داد و سوگند خورد که ( یک تن از مردم شهر را نخواهد کشت ) اما وقتیکه آنها تسلیم شدند همه را به جز یک تن به قتل رسانید و گفت که من قسم خورده بودم یک تن از مردان را نکشم ) ( تاریخ طبری جلد ۵ صفحه ۲۱۱۶ )

ابن سعد در طبقات مینویسد : لشکر اسلام ازین جنگ ها آنقدر غنیمت به عربستان آوردند که حتی سگ های عرب در ظروف زرین و سیمین غذا میخوردند . ( طبقات بن سعد جلد ۷ صفحات ۲۰ و ۵۳ ) هر آنجائی که شمشیرزنهاى

عرب داخل میشدند به مقاومت سر سخت مردم شجاع و دلیر ما مواجه شده و از آزادی و فرهنگ خود دفاع مینمودند . مقاومت دلیرانه هموطنان ما و دفاع از شرف و عزت سالها و قرن ها علیه تجاوزات عرب و دیگر نیرو های متجاوز دوام نمود که آخرین ضربه های قاطع و خانمانسوز از طرف امیر عبدالرحمن با کشتار بیرحمانه هموطنان ما به نفع اعراب وارد شد .

این بود چند سطری از حقوق انسان در اسلام و قرآن که غرض افشاء شدن جنایات و خونخواری اعراب و به نمایش گذاشتن ماهیت اسلام تحریر شد. اما اینکه چرا تا هنوز هم عرب پرست بوده و به تناسب اعراب بیشتر ما در خدمت اسلام گلو پاره میکنیم نمیدانم؟ قضاوت درین موارد بسته به آگاهان و نسل جوان و آینده سازان مر بوط است

درین نوشته از بخش نوشته های دانشمند گرانمایه "حامد یوسف نظری" از نشریات کاوه استفاده شده است